

کارکرد سرنویس‌های نسخه فلورانس در بازنویسی داستان‌های شاهنامه^۱

دکتر نیلوفر سادات عبدالمهی^۲

دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

چکیده

داستان‌های متون ادبیات فارسی در صورت اصلی برای بسیاری از مخاطبان امروزی با جزئیات قابل درک نیستند. از این روی باید به زبانی ساده‌تر بازنویسی شوند. بازنویسی با در نظر داشتن سطح مخاطب، او را به خواندن داستان جلب می‌کند. در بازنوشت داستان‌های کهن در حد امکان باید جزئیات سبک و زیبایی اثر اصلی حفظ شود. در همین راستا برای بازنویسی و بازگردان داستان‌های شاهنامه به نثر، علاوه بر توجه به سطح مخاطب، شناخت سبک و شیوه بیان فردوسی ضروری است. لازم است در بازنویسی متون کهن بخش‌ها و ساختار اصلی داستان‌ها حفظ شود. نظر به پیوند سرنویس‌های شاهنامه با ساختار داستان، پیشنهاد ما در این مقاله بهره گرفتن از نسخه‌های این اثر با محوریت سرنویس‌های آن‌هاست. در این مقاله به‌عنوان مصداقی قابل توجه، به نسخه فلورانس پرداخته و ضمن نقد برخی مشکلات در بازنویسی شاهنامه، راهکارهایی برای بازنویسی دقیق‌تر ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی

بازنویسی، شاهنامه، سرنویس، نسخه فلورانس، ساختار داستان.

۱. مقدمه

یکی از راه‌های حفظ داستان‌های ادبیات فارسی به‌منزله میراثی کهن برای مردم، بازگردان به نثر ساده و بازنویسی است. در بازنویسی باید به وجوه مختلفی از داستان توجه داشت: بازنویسی، برگرداندن ماجرای به زبان ساده، خلاصه و متناسب با درک خوانندگان است؛ به‌گونه‌ای که ساختار و رخداد‌های مهم داستان در آن حفظ شود و هنر نویسنده اصلی نیز بر مخاطب مخفی نماند. در برخی از انواع بازنویسی که با عنوان بازنویسی خلاق مشهور است، ایجاد برخی تغییرات در راستای همراه ساختن داستان با هیجان بیشتر، چاشنی نقل داستان اصلی می‌شود.

هریک از بخش‌های تعریف بالا در جریان بازنویسی داستان‌ها اهمیت دارند و درباره هر یک از متون داستانی فارسی بنا به ویژگی‌ها یا مخاطبان آن برخی موارد پررنگ‌تر جلوه‌گر می‌شوند. برای نمونه، زمانی که متن داستان مورد نظر به نظم است، بازنویسی نیاز به دقت بیشتری دارد؛ زیرا بیان داستان در قالب نظم، موجب می‌شود برخی توصیفات خلاصه یا با تفصیل بیشتر بیان شود. در نتیجه، تعدیل این توصیفات به نثر دشوارتر می‌شود. علاوه بر این، جملات در قالب ابیات ذکر می‌شوند و نظم دستوری متن مشور را ندارند. در باب متون منظوم باید به تمامی بخش‌های تعریف پیش‌گفته توجه داشت. حال آنکه در متن مشور به‌دلیل نزدیکی بیشتر به ساختار زبان عادی نیاز کمتری به خلاصه یا ساده‌سازی مطالب دیده می‌شود.

در جریان بازنویسی داستان‌ها توجه به ویژگی‌های اثر و مخاطب در انتخاب شیوه تدوین بازنوشت اهمیت فراوان دارد. اگر متن از دوره‌های ابتدایی زبان فارسی به دست ما رسیده باشد، نیاز بیشتری به ساده و امروزی ساختن آن دیده می‌شود. آنگاه که متن شامل داستان‌ها و ماجراهای طولانی و به‌هم‌پیوسته باشد، نیاز است تفکیک داستانی و خلاصه‌سازی انجام شود. داستان‌هایی که آفریننده‌اش آن را با تصویرها و صورخیال فراوان آراسته است، نیاز به توجه

مضعف در ساختار داستان دارد؛ زیرا بایستی داستان به تمامی درک و هنرنمایی‌های نگارنده داستان نیز مشخص شود تا بتوان به بهترین وجه آن را به مخاطب انتقال داد. اگر بازنویسی برای مخاطب کودک و نوجوان انجام شود، در میان موارد گفته شده، توجه به درک و سطح خواننده اهمیت می‌یابد. البته نباید فراموش کرد که پررنگ‌تر شدن یکی از این نکات هرگز به مفهوم بی‌اهمیتی نکته‌ای دیگر نیست بلکه مقصود توجه بیشتر به آن مورد است.

حال پس از ذکر این مقدمه می‌توان فرض کرد: اگر شخصی قصد بازنویسی داستان‌های شاهنامه را برای کودکان آن هم به شیوه خلاق و شبیه به بازآفرینی داشته باشد، با چه میزان دشواری روبه‌روست و بایستی بازنوشت خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که همه جوانب داستان در آن به نمایش گذاشته شود.

نظر به این میزان از دشواری، آثار افرادی که شاهنامه را بازنویسی کرده‌اند، در هریک از این حوزه‌ها ضعف‌هایی دارند (نک: پایور، ۱۳۷۶: ۱۶). آنچه در این مقاله مورد نظر ماست، آسیب‌های بی‌توجهی به ساختار داستان و نظم روایت در بازنویسی‌های شاهنامه است. این‌گونه بی‌دقتی‌ها می‌تواند ارکان دیگر بازنویسی را تحت‌تأثیر قرار دهد. به بیان دیگر می‌توان گفت: آنگاه که اصل و ساخت داستان به تمامی به مخاطب منتقل نشود، نمی‌توان از همخوانی با درک او، ساده شدن زبان و یا انتقال هنر فردوسی سخن گفت.

در این مقاله پس از بیان آسیب‌های این‌گونه کم‌توجهی‌ها، به بیان راهکاری جدید در پیوند با نسخه‌های شاهنامه، برای حل این مسئله پرداخته شده است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

درباره بازنویسی داستان‌های شاهنامه با رویکردهای روان‌شناسانه و ادبی، آثاری چند نگاشته شده که عموماً به بررسی بازنویسی داستان‌ها برای کودکان می‌پردازد و با توجه به میزان ارتباط آن‌ها با موضوع این مقاله، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «ارائه شاخص‌های مطلوب بازنویسی و داستان‌گزینی آثار حماسی در ادبیات کودک و نوجوان با تأکید بر شاهنامه فردوسی» (انصاری و فرزاد، ۱۳۹۷). این مقاله به نقل از نگارنده آن، «پژوهشی کتابخانه‌ای است که به منظور ارتقای کیفیت متون بازنویسی شده از آثار حماسی با تأکید بر مشخصه‌های رشد ادراکی، عاطفی و اجتماعی برای کودکان و نوجوانان صورت گرفته است.» در این مقاله به مبانی نظری بازنویسی آثار حماسی ادبیات کودک و نوجوان پرداخته شده و با بیان تاریخچه‌ای از بازنویسی شاهنامه و توجه به ملاک‌های رشد کودک، پیشنهادهایی برای بیان بهتر داستان‌ها ارائه می‌شود.

از جمله مقالات نوشته شده در این زمینه عبارت‌اند از:

- «سیری در بازنویسی‌های معاصر از ادب کهن: ۱- شاهنامه» (پایور، ۱۳۷۹). در این مقاله، نگارنده با توضیحاتی درباره بازنویسی و بازآفرینی، به نقد بازنویسی‌های صورت گرفته از شاهنامه می‌پردازد.

- «کودک و داستان‌های فکری در شاهنامه» (ذبیحی، ۱۳۹۲). در این گفتار به ویژگی‌های ذهنی کودکان پرداخته شده است و این نکته نیز مورد توجه بوده که داستان‌های شاهنامه چگونه می‌توانند بر افکار کودکان تأثیرگذار باشند. این مقاله با مسئله رعایت سطح مخاطب در بازنویسی داستان‌ها پیوند دارد.

- «شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان نگاهی نو به بازنویسی و بازآفرینی به انضمام فهرست صدساله اقتباس از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان» (جلالی، ۱۳۹۳) این اثر نیز علاوه بر بررسی شاخصه‌های یک اقتباس درخور به احصای آثار گردآوری شده پرداخته است.

- «بررسی وضعیت انتشار داستان‌های بازنویسی شده از شاهنامه و مثنوی برای کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۹» (مقدم، اباذری و زارعی، ۱۳۹۱). این پژوهش از حیث

برشماردن آنچه با محوریت شاهنامه و مثنوی به چاپ رسیده است، اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد و نتیجه آن بیشتر مرتبط با آمار این بازنویسی‌ها و کمیت این آثار است.

پایان‌نامه بازنویسی معدود: تأثیر شاهنامه در ادبیات کودکان (بازنویسی و بازآفرینی‌های شاهنامه برای کودکان و نوجوانان) (کریم‌زاد، ۱۳۸۴) هم در این موضوع نگاشته شده است که به مسائل ادبی، نکات حماسی و داستانی در بازنویسی داستان‌های شاهنامه برای کودکان می‌پردازد. دو کتاب هم درباره کیفیت بازنویسی داستان‌های ادبیات، نه صرفاً شاهنامه، به زبان امروز، نوشته شده است: بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات (پایور، ۱۳۸۸) و بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات کودک و نوجوان (ذبیح‌نیا عمران، ۱۳۹۳).

در حوزه پیوند بازنویسی داستان‌های شاهنامه با میراث نسخ خطی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. در این مقاله به این موضوع با رویکرد بهره‌گیری از نسخه‌های خطی و به‌طور خاص بخش‌هایی از آن‌ها که در ارتباط با حفظ اسلوب کلی داستان هستند، پرداخته شده است.

۲. متون کهن و لزوم بازنویسی آن‌ها برای مخاطبان امروزی

بازنویسی متون کهن در یک مفهوم کلی ناظر به چند نکته است: نخست، در نظر داشتن متنی کهن خواه به نظم یا نثر. دوم، حفظ حداکثری اصل اثر و لطمه نزدن به داستان. سوم، خلاصه و ساده‌تر ساختن متن. چهارم، تناسب با مخاطب. با توجه به این نکات می‌توانیم بازنویسی را این‌گونه تعریف کنیم:

بازنویسی، گزینش متنی کهن به نظم یا نثر و نگارش ساده و خلاصه آن با توجه به سطح مخاطبان است؛ به‌گونه‌ای که خط داستانی اصلی و سبک نگارنده اثر نخستین در آن حفظ شود. در کنار بازنویسی از بازآفرینی یاد می‌شود که با تغییرات بنیادین در ساختار داستان همراه

است و مقوله‌ای متفاوت با بازنویسی است. گزینش بازنویسی یا بازآفرینی برای بیان یک داستان به ویژگی‌های آن و انتخاب مؤلف بستگی دارد. نظر به ساخت داستانی مدوّن و زیبایی‌های بلاغی شاهنامه، بازنویسی نسبت به بازآفرینی اولویت دارد؛ زیرا در بازنویسی، میراث ادبی و فرهنگی بیش از بازآفرینی حفظ می‌شود. در بازآفرینی، متن کهن از دیدگاه ساختار و محتوا تغییرات بنیادینی به خود می‌بیند (نک: پایور، ۱۳۸۸: ۲۹). ولی در بازنویسی اصل داستان و تا حد امکان، زیبایی‌های هنری آن باید حفظ گردد. بازنویسی را همچنین به دو دسته ساده و خلاق نیز تقسیم می‌کنند که در نوع ساده آن، متن کهن به زبان امروزی درمی‌آید و در بازنویسی خلاق به متن کهن ساختاری نو داده می‌شود (همان: ۱۴۴).

محققان حوزه شاهنامه اشاره کرده‌اند که: شاهنامه متن دشوار آسان‌نماست (نک: خالقی مطلق: ۱۳۸۶، مقدمه) درک آن به ظاهر برای مخاطب آشنا به زبان فارسی ممکن است ولی ظرایف آن را شاید نتوان به سادگی دریافت و برای دیگران بیان کرد. از این روی بهترین نوع بازنویسی برای این متن آن است که نه به بازنویسی ساده اکتفا شود و به اصطلاح ابیات تنها به فارسی روان برگردند و نه ساخت داستان‌ها با این میزان انسجام و پیوستگی دگرگون شوند. در بازنوشت شاهنامه باید به تناسب مخاطب و داستانی که گزینش می‌شود، از هر دو نوع بازنویسی بهره برد؛ یعنی هم عبارات را ساده و خلاصه‌تر بیان کرد و هم ساخت را به گونه‌ای ارائه داد که برای مخاطب امروزی دشوار و نامفهوم نباشد. برای نمونه، در بازنویسی داستان برای کودکان، دو رکن سطح مخاطبان و خط اصلی داستان اهمیت فراوانی دارد. از سویی نباید از این نکته غافل شد که داستان برای درک مخاطبانی کم‌سن‌وسال، باید ساده و روان نقل شود. علاوه بر این، ساختار اصلی داستان‌ها باید حفظ شود و نمایش هنرمندی فردوسی در قالب ابیات، در بازنویسی به نثر برگردد و از میان نرود. در راستای حفظ این نکات، در گام نخست، باید از هر ماجرا رخدادها و شخصیت‌های اصلی را که ستون‌های روایت هستند، مشخص و در بازنویسی حفظ کرد. پس از آن می‌توان به ثبت ویژگی‌های سبکی فردوسی و تبدیل آن‌ها به زبان امروزی پرداخت.

۳. آفات بازنویسی شاهنامه و از میان بردن آن‌ها

در پژوهش‌هایی که در باب بازنویسی داستان‌های شاهنامه صورت گرفته، به بیان مشکلات آن‌ها به‌ویژه برای کودکان پرداخته شده است. برخی به مسائل روان‌شناسانه و ابعاد محتوایی داستان‌ها از این منظر پرداخته، بعضی متوجه مسائل فرهنگی یا زبانی بوده و دسته‌ای نیز بر ساخت و بلاغت داستان‌ها تأکید داشته‌اند. موضوع این پژوهش با بررسی‌های دسته آخر شباهت بیشتری دارد. برای نمونه می‌توان به جدول زیر اشاره کرد که خلاصه‌ای از محاسن و معایب آثار بازنویسی شده، از شاهنامه در حوزه زبان و بلاغت را برمی‌شمارد:

مصادق‌های ناکارآمد بازنویسی داستان‌های حماسی برای کودک و نوجوان

موضوع	شاخص مطلوب	عدم توجه یا به‌کارگیری شاخص	نویسنده و ناشر
گزیده‌هایی از شاهنامه	- خلاصه‌نویسی بدون افراط - حذف فلسفه رخدادهای جذاب	- خلاصه‌نویسی افراطی هفت‌خوان رستم - خلاصه‌نویسی افراطی هفت‌خوان اسفندیار	احمد نفیسی، نشر تهران
هفت‌خوان رستم	- زبان ساده و استوار - نگرستن و احترام گذاشتن	- زبان تمسخر و واژه‌های لمپنی - شکستن ارزش‌های پهلوان حماسی	فرید جواهرکلام، نشر پاییز
فریدون و سه پسرش	- پای‌بندی به اصول بازنویسی	- اظهارنظرهای بی‌پایه و مخدوش - خسته کردن و گیج کردن مخاطب	عبدالله وزیری، نشر وزیری

(انصاری و فرزاد، ۱۳۹۷: ۴۳)

حفظ ساختار داستان و زیبایی‌های لفظی و معنوی شاهنامه در بازنویسی، موجب می‌شود تا این میراث گران‌بها همراه با شاخصه‌های اصلی خود به خواننده منتقل شود. از سویی انتقال موضع و نگاهی که فردوسی در حماسه ملی به قهرمانان دارد نیز می‌تواند امری مهم تلقی گردد. مقصود از نگاه فردوسی نه طرفداری یا طرد بی دلیل و کورکورانه، بلکه معرفی شخصیت‌های داستان با کمک ذکر صفات ظاهری و باطنی آنهاست. نکته‌ای منحصر به شاهنامه که در سایر متون حماسی همچون *گرشاسب‌نامه*، نمی‌توان سراغ گرفت. فردوسی شخصیت‌های داستان‌ها را برای ما به گونه‌ای توصیف می‌کند که گویا آنان را به چشم دیده و گاه سال‌هاست که می‌شناسیم. صحنه‌ها را آن‌گونه شرح می‌دهد که مخاطب خویشتن را در آنجا احساس می‌کند. به دیگر سخن آنکه، کنار نهادن این همه زیبایی و هنر شاعری در نقل داستان‌های شاهنامه به نثر، موجب می‌شود خواننده لذت کافی را از مطالعه داستان نبرد و فردوسی نیز آن طور که در آفرینش شاهنامه هنرنمایی کرده، در چشم او بزرگ جلوه نکند.^۱

۱-۳. بهره‌گیری از نسخه‌ها و متن شاهنامه

پیش‌تر گفتیم که بازنویسی داستان باید حول محور دو نکته مهم یعنی حفظ حداکثری سبک نگارنده اثر اصلی و همخوانی با زبان و سطح مخاطب امروزی باشد و تأکید کردیم که حفظ ساختار اصلی داستان به عنوان نکته‌ای جامع که می‌تواند موارد دیگر را در بر داشته باشد، باید در رأس کار باشد. از این روی توجه به داستان‌های شاهنامه در همان صورت منظوم و سروده فردوسی از جمله نکات مهم بازنویسی است که از ابتدا تا انتهای کار باید به آن توجه داشت.^۲ خواندن و تحلیل شاهنامه فردوسی تنها با محوریت ابیات کارساز نخواهد بود. در این میان عباراتی به نثر وجود دارند که از رخدادها و افراد در داستان حکایت می‌کنند و درک داستان را برای مخاطب آسان‌تر می‌سازند. همان طور که بهره‌گرفتن از متن شاهنامه و ویژگی‌های سبکی نخستین و مهم‌ترین نکته در بازنویسی صحیح متن

است، توجه به سرنویس هم اهمیت دارد. شاید استفاده از متن منظوم شاهنامه نکته‌ای عادی و امری باشد که از بازنویسان انتظار می‌رود ولی اعتنا به سرنویس، آن‌هم در نسخه‌های خطی، در بازنویسی نکته‌ای جدید بوده و نیاز به شرح دارد.

۲-۳. سرنویس و کارکرد آن

در تکمیل آنچه در باب هنر فردوسی گفته شد، باید به ساختار داستان‌های شاهنامه از حیث رخداد و شخصیت‌ها توجه داشت. داستان‌های شاهنامه اگر از دیدگاه روایت بررسی شوند همچون داستان‌های دیگر از عناصری همچون زمان، مکان، رخداد، شخصیت، روایتگر و روایت‌شنو تشکیل می‌شوند. سیر داستان را در ابیات و سرنویس‌ها می‌توان دنبال کرد. از میان عناصر گفته‌شده، سرنویس نمایانگر رخدادها و شخصیت‌هاست. اگر سرنویس را از میان ابیات شاهنامه برداریم، شاید در نگاه نخست، تنها چند عبارت کوتاه را حذف کرده باشیم ولی با دقت بیشتر درمی‌یابیم که وجود سرنویس می‌تواند چه محاسنی برای مخاطب داشته باشد. مهم‌ترین آن‌ها تعیین بخش‌های داستان است. هر سرنویس بیان می‌کند مخاطب با کدام افراد و رخدادها مواجه است. اگر سرنویس در اختیار خواننده داستان‌ها نباشد، با ابیات فراوانی مواجه می‌شود که در حین خواندن آن‌ها امکان فراموش کردن سیر داستانی، درک ناقص و درهم ریختن اتفاقات وجود دارد. سرنویس‌هایی که پیش از رخدادهای اصلی در هر داستان ذکر شوند، پس از خود چند بیتی به صورت تمثیلی درباره آنچه رخ خواهد داد، دارند. این ابیات از ساختار هنری داستانی منظم در شاهنامه حکایت می‌کنند. این ساختار از یک ویژگی سبکی فردوسی دریافت می‌شود: در شاهنامه هیچ رخداد مهمی بدون پیش‌زمینه تمثیلی ذکر نمی‌شود. همین اصل می‌تواند در تشخیص میزان صحت سرنویس‌ها و محل مناسب آن‌ها یاریگر مصحح متن باشد. یکی از فواید سرنویس مشخص کردن ساخت داستان‌ها در ساماندهی به رخدادهای مهم است. نکته دیگر پیوند سرنویس با

شخصیت‌های مشهور شاهنامه است. فردوسی در وصف شخصیت‌ها دقتی ستودنی دارد. اصولاً اشخاص مشهور شاهنامه یا از ابتدا در داستانی حضور دارند یا هنگام ورودشان سرنویسی آن را اعلام می‌کند. به تعبیری، فردوسی قصد دارد در ابیاتی نظر مخاطب را به وصف شخصی همچون رستم جلب کند و در این میان سرنویس به کمک ابیات می‌آید و به مخاطب خبر می‌دهد که در ابیات پیش رو با ورود رستم به داستان مواجه خواهد شد.

سرنویس‌ها از این نظر که نمی‌توان در همه نسخه‌ها آن‌ها را با ضبطی واحد یافت، همچون ابیات شاهنامه هستند. البته تنوع ضبط سرنویس‌ها به مراتب از ابیات بیشتر است؛ زیرا حساسیتی که درباره ضبط دقیق ابیات وجود داشته درباره سرنویس چندان مهم تلقی نمی‌شده است. از این نکته هم نباید غافل بود که سرنویس‌ها در نسخه‌های شاهنامه با توجه به دستکاری‌های کاتبان، شیوه‌های متفاوت سطربندی، تغییرات ابیات در طول زمان و عواملی از این دست، با اختلاف ثبت شده‌اند. برخی نسخه‌ها تعداد کمتری سرنویس دارند و برخی دیگر شمار بیشتری را ثبت کرده‌اند. در برخی نسخه‌ها سرنویس‌ها طولانی و در برخی مجمل است. همان طور که به دلایلی از جمله فاصله نزدیک به دو قرن میان قدیمی‌ترین نسخه با روزگار فردوسی همچنین فاصله زمانی قابل توجه میان نسخه‌های شاهنامه، دستبردهای کاتبان، گذر زمان و تغییراتی که ناشی از افرادی جز کاتبان همچون نقالان است، نمی‌توان از یک نسخه شاهنامه به عنوان نسخه‌ای کامل بهره برد، این نکته را درباره سرنویس‌ها هم باید در نظر داشت. هرچند می‌توان به طور نسبی سرنویس‌های یک نسخه را بر نسخه یا نسخ دیگر ترجیح داد، هیچ‌یک به طور کامل قابل پذیرش نیستند. نظر به تأثیر کاتبان بر سرنویس‌ها می‌توان برای ثبت شیوه سرنویس در هر یک از نسخه‌ها ویژگی‌هایی برشمرد. به تناسب این ویژگی‌ها، هر نسخه در حوزه‌ای قابل توجه است؛ زیرا درباره سرنویس تنها وجود یا عدم آن اهمیت ندارد، کیفیت ضبط، لغات به کاررفته و محل

آن‌ها هم مهم است. در این میان، نسخه‌ای که برای بهره بردن در راستای حفظ ساختار داستان در بازنویسی بیش از سایر نسخه‌ها قابل استفاده است، نسخه فلورانس است.

۱-۲-۳. اهمیت نسخه فلورانس و سرنویس‌های آن

دستنویس فلورانس، کهن‌ترین دستنویس شاهنامه است که اکنون در دسترس است. این دستنویس با وجود اینکه تمام متن این اثر را در بر ندارد و تنها تا پایان پادشاهی کیخسرو را در آن می‌توان دید، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این دستنویس ویژگی‌های منحصر به خود را دارد که در استفاده از آن باید در نظر داشت. این ویژگی‌ها را خالقی مطلق در مقاله‌ای که به معرفی این دستنویس اختصاص دارد، برشمرده است (نک: خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ۳۷۰). در این مقاله علاوه بر توصیف ویژگی‌های این نسخه، آن را با نسخه لندن ۶۷۵ نیز مقایسه کرده و برتری‌های آن را شرح داده است. یکی از این برتری‌ها در زمینه سرنویس‌هاست:

«یکی از تفاوت‌های دستنویس فلورانس با دستنویس لندن ۶۷۵ در عنوان داستان‌ها و عبارت سرنویس‌های کتاب است. دستنویس لندن ۶۷۵ به ندرت سرنویس دارد و هر کجا که دارد، عبارت آن بسیار کوتاه است. در مقابل، دستنویس فلورانس اگر نه به اندازه دستنویس‌های جوان، ولی به اندازه کافی سرنویس دارد» (همان: ۳۸۹).

در سطرهای بالا به چند نکته اشاره شد: نخست آنکه دستنویس لندن ۶۷۵ با فلورانس ۶۱۴ که هر دو از نسخه‌های قدیم شاهنامه هستند، مقایسه شده و در حوزه سرنویس این قیاس صورت گرفته است. دوم، اهمیت محل، طول و تعداد سرنویس‌هاست. سوم، آنکه دستنویس‌های جوان (متأخر) شاهنامه تعداد بیشتری سرنویس دارند. از نکته نخست می‌توان دریافت که برای تصحیح متن شاهنامه و انتخاب ضبط مناسب سرنویس، اتکا به یک سرنویس هرچند هم کهن باشد، نمی‌تواند کافی باشد. در باب نکته دوم باید در نظر داشت که گزینش سرنویس نه تنها در تعداد بلکه در محل و کیفیت مهم است. این امر بر بازنویسی

نیز اثر مستقیم خواهد گذاشت. در باب نکته سوم نیز باید به این مسئله اعتنا کرد که سرنویس‌های متأخر شاهنامه بیشتر مورد دستکاری‌ها قرار گرفته و از آن‌ها باید با احتیاط بهره برد. ضمن اینکه می‌توان به قیاس تعداد کمتر سرنویس‌ها در نسخ قدیم و پرشماری آن‌ها در نسخ جدیدتر، حدس زد که در تهیه صورتی نزدیک به شاهنامه باید تعداد کمتری سرنویس برگزید.

در ادامه این مقاله چنین آمده است: «عبارت این سرنویس‌ها در آغاز داستان پس از خطبه داستان همیشه آغاز داستان است و در موارد دیگر سرنویس‌ها، جز موارد انگشت‌شماری بقیه با عبارت گفتار اندر آغاز می‌گردند و در بیشتر موارد کاتب عبارت را آنقدر کش داده است تا تمامی یک سطر یعنی همه عرض جدول را پر کند» (همان: ۳۹۰).

در اینجا نیز به ویژگی‌های دیگری از نسخه فلورانس اشاره می‌کنیم: در ثبت همیشگی عبارت آغاز داستان پس از خطبه داستان می‌توان اهمیت تعیین محل صحیح سرنویس را دریافت. با توجه به این نکته انتظار می‌رود در تعیین نمونه‌های صحیح سرنویس مورد توجه باشد. پایبندی کاتب این نسخه به ثبت همیشگی عبارت آغاز داستان یا گفتار اندر، می‌تواند سرمشق خوبی برای تعیین بخش‌های ابتدایی داستان در بازنویسی‌ها باشد. نکته دیگر توجه به کادر سرنویس است. همان‌طور که اشاره شد، کاتب عموماً عبارت سرنویس را طولانی‌تر ساخته است تا کادر را پر کند. از ویژگی‌های مهم نسخه فلورانس که می‌توان گفت در هیچ نسخه معتبر دیگری از شاهنامه بدین شکل دیده نمی‌شود، کادر بزرگی برای ثبت سرنویس است. به جز اندک مواردی، همه سرنویس‌ها در این نسخه به گونه‌ای نگاشته شده که کل عرض یک صفحه را پر کرده‌اند. این ابعاد برای سرنویس معادل دو برابر نسخه‌های دیگر است.^۳ این ویژگی موجب شده است تا کاتب این نسخه به توضیحاتی بیش از اندازه معمول بپردازد. این توضیحات هرچند از نظر بلاغت نوعی تکرار مکررات و در برخی موارد

توضیح و اوضحات است، در زمینه بازنویسی می‌تواند بسیار مفید و کارآمد باشد.

۳-۳. نحوه بهره‌بردن از سرنویس‌ها در بازنویسی داستان‌ها

علاوه بر کارکردهایی که سرنویس‌های شاهنامه به صورت عام و برای تصحیح متن دارند، در هر نسخه با توجه به ویژگی‌هایی آن می‌توان از سرنویس بهره برد. در این میان نظر به قدمت نسخه و کیفیت ضبط سرنویس‌ها، نسخه فلورانس را مورد بررسی قرار داده و پیشنهادهایی ارائه داده‌ایم. البته نباید این نکته را نادیده گرفت که نسخه‌های شاهنامه، نمی‌توانند صددرصد مورد پذیرش مصححان قرار بگیرند و نیاز به گزینش‌های علمی و تکمیل نگاشته‌های نسخه‌ها وجود دارد. نسخه فلورانس هم هرچند کامل نیست، به دلیل محاسن آن که پیش‌تر برشمردیم، قابل استفاده است و اشتباهات آن را می‌توان با استفاده از سایر نسخه‌ها تکمیل کرد.

ویژگی‌های نسخه فلورانس در ضبط سرنویس را که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، در چند دسته و با هدف بهره‌گیری بهینه می‌توان تقسیم کرد:

۱. موارد مرتبط با محتوا و مطلب بیان‌شده در سرنویس؛

۲. مواردی مرتبط با محل سرنویس؛

۳. موارد مرتبط با محتوا و محل (ساخت داستانی).

موارد مرتبط با محتوا از حشو در سرنویس‌های نسخه فلورانس نشئت می‌گیرد. کاتب فلورانس، عبارات را به حدی طولانی کرده که کل فضای مختص سرنویس پر شود. برای درک بهتر این مورد می‌توان سرنویس‌های داستان رستم و سهراب را در دو نسخه فلورانس ۶۱۴ و لندن ۶۷۵ از حیث طول عبارت‌ها و تعداد سرنویس مقایسه کرد:

داستان رستم و سهراب

جدول ۱

ف- ۶۱۴

<p>* گفتار اندر رفتن رستم به سمنگان و داستان او با دختر شاه سمنگان و زادن سهراب از ماد(ر) به ترکستان</p> <p>* آغاز داستان</p> <p>* گفتار اندر آمدن تهمیمه دختر شاه سمنگان به بالین رستم و پیوندی او با رستم و آوردن سهراب را</p> <p>* گفتار اندر زادن سهراب از مادر و بردن مادر او را</p> <p>* گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از احوال سهراب</p> <p>* گفتار اندر آمدن سهراب به ایران و رسیدن به دز سپید و گرفتار شدن هجیر به دست او</p> <p>* گفتار اندر آمدن گردآفرید به میدان و مبارز خواستن و رفتن سهراب به جنگ او و گرفتن او</p> <p>* گفتار اندر نامه نبشتن گژدهم به نزدیک شاه کاوس را و آگاهی دادن از آمدن سهراب با لشکر توران به جنگ او</p> <p>* گفتار اندر نامه فرستادن شاه کاوس به نزدیک رستم و رفتن گیو گودرز به رسولی نزدیک او</p> <p>* گفتار اندر خشم کردن کاوس به گیو و رستم و بیرون رفتن رستم به خشم از پیش شاه کیکاوس</p> <p>* گفتار اندر رفتن گودرز کشوادگان از پیش رستم و او را دل خوش کردن و باز آوردن پیش کیکاوس</p> <p>* گفتار اندر لشکر کشیدن شاه کیکاوس به جنگ سهراب و بیرون رفتن از شهر با لشکر ایرانیان</p> <p>* گفتار اندر رفتن رستم به جاسوسی به لشکرگاه سهراب و کشتن زندرزم را به مشمت و بازگشتن به نزدیک کیکاوس</p> <p>* گفتار اندر رسیدن سهراب نشان‌ها خیمه‌ها از هجیر گودرز و نشان خواستن از پدر</p> <p>* گفتار اندر شدن سهراب به لشکرگاه شاه کاوس و خواستن مبارزان و کندن خیمه‌ها را به نیزه از زمین</p> <p>* گفتار اندر بیرون رفتن رستم از لشکرگاه به جنگ سهراب و مناظره کردن میان یکدیگر</p> <p>* گفتار اندر بازگشتن رستم و سهراب از یکدیگر و هریک احوال گفتن با پهلوانان ایران و ترکستان</p> <p>* گفتار اندر خواندن رستم زواره برادرش را و وصیت کردن بدو و احوال سهراب بدو بازگفتن</p> <p>* گفتار اندر جنگ دوم رفتن سهراب با رستم و مناظره کردن با یکدیگر و کشتی گرفتن سهراب با رستم</p> <p>* گفتار اندر افکندن سهراب رستم را و حیلت کردن رستم با سهراب و بیرون بردن جان از دست او</p> <p>* گفتار اندر افکندن رستم سهراب را و زخم زدن جگرگاهش دریدن و شناختن رستم که او</p>
--

جدول ۲

ل - ۶۷۵
*داستان رستم و سهراب *آغاز داستان *گفتار اندر مولود سهراب *نامه گزدهم به شاه کیکاوس *نامه کیکاوس به رستم زال *نشان جستن سهراب از هجیر *کشتی گرفتن رستم و سهراب

همان طور که ملاحظه می‌شود، در نسخه فلورانس ۲۱ و در نسخه لندن ۷ سرنویس برای این داستان مشابه ثبت شده است. به عبارتی نسخه فلورانس از حیث شمار، ۳ برابر نسخه لندن سرنویس دارد و طول عبارت نیز دست‌کم دو برابر است. این حشو در بیان از سویی ممکن است ملال‌افزا شمرده شود ولی با توجه به کارکردی که می‌تواند در تعیین رخداد‌های مهم و جزئیات آن داشته باشد، برای بازنویسی اهمیت فراوانی دارد.

نکته‌ای که درباره ثبت محتوایی سرنویس باید در نظر داشت، گزینش رخداد‌های مهم و بیان آن‌ها با جزئیات لازم در مرتبه نخست و پس از آن ذکر حوادث ثانویه و شخصیت‌های فرعی است. نسخه فلورانس این ویژگی را دارد. ویژگی دیگر سرنویس‌های نسخه فلورانس که با محتوای داستان ارتباط دارد، نام‌هایی است که به سبب کهن بودن این نسخه در همان صورت قدیم ثبت شده و می‌توان در ثبت صورت کهن نام‌ها از آن‌ها بهره برد.

«در دستنویس فلورانس برخی واژه‌ها به صورت کهن‌تر یا درست‌تر آن‌ها آمده‌اند که در دستنویس‌های دیگر غالباً نو شده‌اند. برای نمونه در این دستنویس جز یکی دو مورد همیشه دشخوار دارد به جای دشوار. همچنین یک با دگر آمده است به جای با یکدیگر... همچنین نام‌های گیومرت، طهمورت و اغریرت را همه جا با حرف ت می‌نویسد به جای ث در بیشتر دستنویس‌های دیگر...

در دستنویس فلورانس همچنین چند واژه کم‌رایج‌تر زبان فارسی حفظ شده است. از آن

میان، زاو به معنی پهلوان و زورآور که در دستنویس‌های دیگر به گاو و تاو و غیره گشتگی یافته است... دیگر کازه به معنی کلبه... دیگر پاره به معنی پول... دیگر بام به معنی بامداد...» (خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ۳۸۲).

در جدول ۱، عباراتی مانند حیلث کردن و وصیت کردن را با لغات عربی می‌بینیم که درک آن‌ها دشواری چندانی ندارد. این موارد نیز از جمله معدود مصداق‌هایی است که با دستبرد در فلورانس قصد نو ساختن متن کهن را داشته‌اند:

«یکی دیگر از نمونه‌های دستبرد در دستنویس فلورانس به قصد نو کردن متن، تبدیل صورت کهن گر به یا است... یک نمونه دیگر تبدیل صورت کهن کجا در معنی حرف ربط و موصول است به که... کاربرد گر در معنی یا و کجا در معنی حرف ربط موصول، یکی از ویژگی‌های سبک سده چهارم است... البته چنین نیست که در دستنویس فلورانس همه جا گر را تبدیل به یا و کجا را تبدیل به که... کرده باشند، بلکه در هر دو مورد در این دستنویس چیرگی با ضبط کهن است» (همان: ۳۸۸).

به عبارت دیگر، لغات مورد استفاده سرنویس‌های فلورانس، لغات مهجور نیستند، غلبه با لغات فارسی و قدیم‌تر است و در برخی داستان‌ها صورت کهن‌تر اسامی حفظ شده که می‌تواند در بازنویسی برای بزرگسالان مورد استفاده باشد.

در جدول شماره ۱، نام دختر شاه سمنگان، به صورت **تهمیمه** ثبت شده است که امروزه این شخص با نام **تهمینه** در میان فارسی‌زبانان شهرت دارد. از چنین نام‌ها و با این صورت کاربرد کهن، می‌توان برای افزایش اطلاعات خوانندگان بازنوشت‌های *شاهنامه* بهره برد. در راستای خالی از اشتباه نبودن نسخه فلورانس، همانند نسخه‌های دیگر، نیز لازم است به این مثال توجه شود: در دو مورد از سرنویس‌های داستان زال و رودابه، نام **سوداوه** (= سودابه) به جای **رودابه** ثبت شده که به قیاس ابیات و سرنویس‌های بعدی می‌توان دانست که **سوداوه** صحیح نیست. ولی شیوه ضبط این نام برای استفاده در تصحیح و بازنویسی ارزشمند است. این گونه اشتباهات در نسخه‌ها نیز باید با توجه به قراین متن یا استفاده از

نسخه‌های دیگر اصلاح شوند. در جدول زیر علاوه بر ثبت اشتباه نام سوداوه به جای رودابه، نمونه‌ای از املاهای غلط (مسلها به جای مثلها) نیز هست که با اعتنا به فحوای کلام می‌توان صورت صحیح را حدس زد.

داستان زال و رودابه

جدول ۳

ف-۶۱۴

<p>* گفتار اندر داستان سام نریمان و زادن زال پسرش از مادر و بینداختن سام زال را</p> <p>* گفتار اندر رسیدن سیمرخ به زال و گرفتن او را و به پیش بچگان بردن و پروردن زال را</p> <p>* گفتار اندر خواب دیدن سام نریمان اندر حق زال پسرش و رفتن به طلب او</p> <p>* گفتار اندر رفتن سام با زال به نزدیک شاه منوچهر و پذیره شدن منوچهر ایشان را و نواختن زال را</p> <p>* گفتار اندر آنک سام زال را به سیستان به پسر و خویشتن به جنگ مازندران رفت و وصیت کردن بدو</p> <p>* گفتار اندر داستان زال با شاه مهرباب و دخترش و عاشق شدن زال بر سوداوه</p> <p>* گفتار اندر عاشق شدن سوداوه بر زال و فرستادن کنیزکان را به نزدیک او پیغام</p> <p>* گفتار اندر گفتن زال زر احوال خود با موبدان اندر خواستن رودابه را از پدر</p> <p>* گفتار اندر نامه نوشتن زال به نزدیک سام نریمان اندر احوال رودابه و مهرباب</p> <p>* پیغام فرستادن زال به رودابه به دستان زن که در میان ایشان بود بدان که سام اجازت داده است</p> <p>* گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از پیوند گرفتن زال با دختر مهرباب و خواندن سام را</p> <p>* گفتار اندر شراب خوردن سام نریمان با شاه منوچهر و گفتن داستان‌ها و مردی که کرده بود</p> <p>* گفتار اندر آگاهی یافتن سام نریمان از آمدن پسرش زال زر و نواختن او را</p> <p>* گفتار اندر نامه فرستادن سام نریمان به نزدیک شاه منوچهر و فرستادن زال را به خدمت</p> <p>* گفتار اندر رسیدن زال به نزدیک شاه منوچهر و دیدن شاه او را و پسندیدنش</p> <p>* گفتار اندر تربیت دادن آنک سین‌دخت را به رسولی به نزدیک سام فرستد شاه کابل مهرباب</p> <p>* گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از آمدن زال و فرستادن لشکر را پذیره او و نواختن او را</p> <p>* گفتار اندر پرسیدن موبدان مسلها (غلط املائی) از زال زر اندر حکمت و کار این جهان و آن جهان</p> <p>* گفتار اندر جواب دادن زال مسلها موبدان را و آفرین خواندن شاه منوچهر برو</p> <p>* گفتار اندر منزل‌ها نمودن زال به نزدیک شاه منوچهر به تیر و کمان و گوی باختن</p> <p>* گفتار اندر رسیدن زال به نزدیک پدر و دامادی کردن او با دختر شاه کابل</p> <p>* گفتار آنک شکم مادر رستم بشکافتند و رستم از آن بیرون کشیدند به گفت سیمرخ...</p>
--

نکات دیگر مطالبی است که با جایگاه و محل سرنویس ارتباط دارد. از آنجا که در نسخه فلورانس برای سرنویس‌ها کادری به اندازه کل عرض صفحه ترسیم شده، ابیات قبل و بعد از سرنویس (که از رخدادی خبر می‌دهد) به‌طور کامل جدا می‌شوند. این شیوه طراحی کادر موجب می‌شود، خواننده بتواند تشخیص دهد هر بیت مرتبط با کدام بخش از داستان است. پیش‌تر نیز ذکر شد نسخه‌های دیگر، کادری در میان صفحه را برای سرنویس قرار می‌دهند که ابیات در اطرافش هستند و برخی مواقع ابیات مربوط به رخدادی که سرنویس از آن حکایت می‌کند، بالاتر از آن قرار می‌گیرند. حال آنکه در نسخه فلورانس، ابیات رخداد مرتبط با سرنویس، از ابیات قبل به‌طور کامل جدا می‌شوند. این نکته حاکی از قرار گرفتن سرنویس و ابیات قبل و بعد می‌باشد، از این‌روی می‌تواند مرتبط با جایگاه ابیات و رخدادها شمرده شود.

در نگاهی گسترده‌تر و با تحلیل ابیات پس از سرنویس‌ها، می‌توان به الگویی برای بازنویسی دقیق و ساختارمند دست یافت. رخدادهای مهم پس از هر سرنویس با توجه به اصل زمینه‌سازی پیش از وقایع شاخص در *شاهنامه*، بیانی توصیفی تمثیلی دارند. این نکته می‌تواند الگویی برای بازنویسان در راستای بهره گرفتن از توصیفات هنری ادبی برای جذب خوانندگان به داستان باشد. این راهکار می‌تواند برای بازنویسی داستان‌های کودکان بسیار مفید باشد. این نکته در عین حال، یکی از ویژگی‌های سبکی فردوسی یعنی توصیف را حفظ کرده و به خواننده نیز انتقال می‌دهد.

بیان تمثیلی با استفاده از خطبه داستان بیژن و منیژه همچنین گرفتاری او در چاه و پیوندش با تاریکی و سیاهی، در یکی از بازنویسی‌های مختص کودکان به شیوه‌ای هنرمندانه صورت گرفته است:

«بیژن از سیاهی گریزان بود. روی تخته سنگ دراز کشید. زیر سر، انگشتان را در هم فرو برد. به ماه چشم دوخت. ابر سیاه نزدیک آمد. دل بیژن پیش از آن که ابر، شمد سیاهش را رویش بیندازد، تاریک شد.

بیژن و سیاهی دشمنان دیرینه بودند، دشمنانی چون مار و پونه و بیژن می‌باید همیشه دشمنش را چون سایه بر دوش کشد. بختک شب سایه‌وار بر سینه‌اش سنگینی می‌کرد. نه بادی می‌رسید تا ابر سیاه را به کناری زند و نه ماه جنبشی می‌کرد تا خود را از چنگ این دیو پلید برهاند...» (صالحی، ۱۳۸۶: ج ۵، ۵).

علاوه بر بیان توصیفی در ابتدای هر مطلب، سرنویس‌های نسخه فلورانس با اعتنا به بیان روان و کامل‌تر از سایر نسخه‌ها، می‌تواند الگویی مناسب برای انتخاب عنوان‌های فرعی داستان‌های بازنویسی شده باشد. به کار گرفتن شیوه تمثیلی توصیفی در بازنویسی کودکان و استفاده از عنوان‌های فرعی در بازنویسی برای بزرگسالان پیشنهاد می‌شود. نمونه این اوصاف در سرنویس‌های داستان بیژن و منیژه قابل اعتناست:

داستان بیژن و منیژه

جدول ۴

ف-۶۱۴
* گفتار اندر داستان بیژن و منیژه و مکر کردن گرگین میلاد با بیژن در شکارگاه افراسیاب
* آغاز داستان
* گفتار اندر مکر و حیلت ساختن گرگین میلاد با بیژن گیو
* گفتار اندر آمدن بیژن برابر خیمه منیژه و دیدن منیژه او (را) و عاشق شدن و رفتن بیژن بخم (: بخیمه) او و با او خلوت ساختن
* گفتار اندر آگه شدن زنان و گفتن او پیش افراسیاب و آمدن گرسیوز و گرفتن بیژن را و بردن
* گفتار اندر آمدن پیران ویسه به نزدیک افراسیاب و خواستن بیژن گیو را به خون و او را در چاه کردن
* گفتار اندر بازگشتن گرگین میلاد بی بیژن و پرسیدن شاه و گیو و احوال بیژن از او و دروغ
* گفتار اندران که شاه روز نوروز بر تخت نشست و جام جهان نمای پیش نهاد که بیژن کجاست
* گفتار اندر نامه نداشتن شاه کیخسرو به رستم و خواندن او را تا چاره کار بیژن بسازد
* گفتار اندر بیرون آمدن رستم از زاولستان با گیو و از پیش بیامدن گیو به نزدیک شاه کیخسرو و خبر دادن
* گفتار اندر ثنا گفتن رستم بر شاه کیخسرو به ماه پارسیمان و شراب خوردن کیخسرو با رستم
* گفتار اندر فرستادن گرگین میلاد پیغام پیش رستم به خواهشگری و پاسخ دادن رستم گرگین را
* گفتار اندر رفتن رستم با هفت گرد ایران به ترکستان به طریق بازرگانان به طلب بیژن
* گفتار اندر آمدن منیژه دختر افراسیاب به نزدیک رستم و گریستن اندر حق بیژن
* گفتار اندر رفتن رستم با هفت گرد به سر چاه بیژن و بینداختن سنگ و بیرون آوردن بیژن از چاه
* گفتار اندر شبیخون آوردن رستم و بیژن و او هفت گرد ایران به در سرای افراسیاب و گریختن افراسیاب

ویژگی‌های سرنویس‌ها در نسخه فلورانس و کمکی که به بازنویسی داستان‌ها می‌کند، در جدول ۵ به اختصار ذکر شده است: در ستون اول ویژگی‌های مثبت نسخه در ضبط سرنویس‌ها، در ستون دوم فایده‌ای که این ویژگی‌ها برای درک متن شاهنامه دارند، در ستون سوم شیوه‌ای که می‌توان با توجه به ویژگی نسخه از آن برای بازنویسی بهره برد، آمده است. ستون چهارم و پنجم نیز مشخص می‌کنند که این ویژگی و الگوبرداری برای بازنویسی مخاطب کودک مناسب است یا بزرگسال.

جدول ۵

ویژگی‌های مثبت نسخه فلورانس در ثبت سرنویس	فایده‌های کاربردی ویژگی‌ها	شیوه کاربرد در بازنویسی - الگوبرداری	مناسب بازنویسی برای کودکان	مناسب بازنویسی برای بزرگسالان
حشو در بیان و اوصاف	شرح بیشتر و آسانی درک	توضیح به اندازه و گویا	*	*
انفکاک کامل بخش‌ها	امکان تشخیص دقیق بخش‌های داستان	نظم‌بخشی به ذهن مخاطب با تقسیم‌بندی		*
جدایی ابیات هر رخداد از پیش و پس	مشخص شدن ساختار منظم نقل رخدادها	قرار دادن ابتدا و انتهای منظم و مدون برای نقل رخدادها		*
عبارات توضیحی	درک کامل تر رخداد	بهره بردن از تصاویر هنری، نقاشی‌ها و اوصاف	*	*
کاربرد نام‌ها در صورت قدیمی آن‌ها	آشنایی با پیشینه زبانی	ذکر و شرح در پاورقی و حاشیه		*
یادآوری آیین‌های کهن (مانند: آزمون خواستگاری زال)	آشنایی با پیشینه فرهنگی و تاریخ اساطیری و قهرمانی	شرح واقعه‌ها به شیوه‌ای هیجان‌انگیز	*	*
کثرت سرنویس‌های مفید و دوری از سرنویس‌های بیهوده	درک جزئیات و شناخت کامل شخصیت‌های داستان	ذکر جزئیات و ارائه اطلاعات کافی	*	*

*	*	این شرح باید با احتیاط باشد تا در نثر ملال نیاورد	شناخت کامل شخصیتی از کاراکترها	ذکر نام‌ها و شرح عملکردهای افراد
*		رعایت مقدمه و مؤخره برای بخش‌ها	نمایش دقیق ساختار مدون اثر	حفظ ساختار سبکی فردوسی
*	*	ذکر اوصاف به فراخور سطح مخاطب	بیان غیرمستقیم و جذاب مطالب	بیان توصیف پس از سرنویس‌های مهم

۴. انجام سخن

از آنجایی که حفظ ساخت اصلی داستان و سبک فردوسی برای بازنویسی اهمیت فراوان دارد، برای حفظ پایه‌های اساسی هر داستان باید به متن منظوم شاهنامه فردوسی مراجعه و وجوه هنری و روایی آن‌ها را استخراج کرد. استفاده مستقیم از متن منظوم برخلاف دشواری‌ها، به دلیل دارا بودن وجوه هنری و ویژگی‌های سبکی فردوسی لازم به نظر می‌رسد. برای آسان‌تر شدن بهره‌گیری از متن شاهنامه می‌توان از سرنویس‌های داستان‌ها بهره برد. سرنویس‌ها عباراتی هستند که در میان داستان قرار می‌گیرند و از رخدادهایی که پس از عبارت ذکر می‌شود، خبر می‌دهند. سرنویس‌ها دو رکن اصلی شخصیت و رخداد را بیان می‌کنند. از این روی می‌توانند نمایش‌دهنده واقعه‌های داستان باشند. در اصل، یکی از کارکردهای مهم سرنویس همین مشخص کردن مهم‌ترین رخدادها و سیر داستان است؛ به گونه‌ای که مخاطب با ملاحظه سرنویس‌ها در حین مطالعه از رخدادها باخبر گردد.

۵. نتیجه‌گیری

بازنویسی داستان‌های شاهنامه با توجه به ویژگی‌های آن همچون منظوم بودن اثر، طولانی بودن داستان‌ها و بیان توصیفی فردوسی، از سایر متون دشوارتر به نظر می‌رسد. در جریان

بازنویسی شاهنامه لازم است این داستان‌ها به گونه‌ای ساده و خلاصه بیان شوند که هم برای مخاطبان به‌خوبی قابل درک باشد و هم هنر فردوسی و ساختار داستانی حفظ شود. در این میان حفظ ساختار داستانی می‌تواند جامع همه موارد دیگر باشد.

استفاده از متن منظوم شاهنامه همراه با دقت در ظرایف برای یک بازنویسی کامل از این اثر ارزشمند ادبی، لازم به نظر می‌رسد. از آنجا که حفظ ساختار داستان اهمیت بسیاری دارد، استفاده از سرنویس‌های نسخه‌های خطی که نمایانگر این ساخت و خط داستانی هستند، می‌تواند بازنویسان را به نگارش دقیق‌تر رهنمون باشد.

در میان نسخ شاهنامه، نسخه فلورانس، قدیمی‌ترین نسخه در دسترس است که در ضبط سرنویس‌ها جامعیت بیشتری از دستنویس‌های دیگر دارد. در این نسخه، تعداد سرنویس‌ها بیشتر و عبارات آن‌ها نیز مفصل‌تر است و کاتب در سرنویس‌ها بیشتر رخداده‌ها و شخصیت‌ها را با توضیحی که کمتر در سرنویس‌ها مشاهده می‌شود، نام می‌برد.

سرنویس‌های نسخه فلورانس (در کنار متن اصلی) برای بازنویسی در موارد زیر قابل استفاده است:

ذکر خط سیر اصلی داستان: با توجه به سرنویس‌های نسخه فلورانس که از کامل‌ترین نسخه‌ها در این زمینه است، می‌توان ساختار داستانی را حفظ کرد و از گسست یا خلاصه‌سازی بی‌ضابطه آن جلوگیری کرد.

تعیین رخداده‌ها و شخصیت‌های اصلی و تمییز آن از رخدادهای فرعی: با الگوبرداری از سرنویس‌ها می‌توان عنوان‌های فرعی هم برای متن بازنویسی شده مشخص کرد.

نظم در ذکر توصیفات هنری فردوسی: پس از اکثر سرنویس‌ها، ابیاتی بر گونه‌بهراعت استهلال و توصیف رخداد پیش‌رو داریم. بازنویسان می‌توانند به این شیوه، توصیفات زیبای فردوسی را نقل یا با تقلید از آن‌ها به توصیفی همخوان با سطح مخاطبان ذکر کنند.

استفاده از واژگان مناسب: اغلب کلماتی که در سرنویس‌ها به کار رفته، فارسی است و از آنجایی که کلمات با تعقید لفظی و لغات عربی بسیار اندک دارد، به سبک فردوسی نزدیک بوده و می‌توان در راستای انتقال شیوه شاعر به مخاطب، از آن‌ها بهره برد.

بازتاب فرهنگ در آینه اوصاف: ویژگی‌های شخصیت‌ها به همراه عملکرد آن‌ها در سرنویس‌ها ذکر می‌شود و می‌توان از این نکته برای انتقال دقیق‌تر اطلاعات به مخاطب استفاده کرد.

بازنویسان برای تشخیص رخدادها و شخصیت‌هایی که نام بردن آن‌ها در بازنویسی ضروری است، می‌توانند به سرنویس‌های نسخه فلورانس مراجعه کنند و در عین تعیین رخداد‌های مهم، از محل مناسب قرارگیری سرنویس‌ها در این نسخه، بازنویسی داستان را سامان بخشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. البته این امر هرگز به معنای دل‌بستگی بیش از اندازه به ساختارهای کهن و دوری از زبان و فرهنگ عصر کنونی نیست بلکه نوعی انتقال تعدیل‌شده از زبان و بیان فردوسی به مخاطبانی است که در زمان ما میل به مطالعه داستان‌های کهن ادبیات فارسی دارند.
۲. بیان این نکته (استفاده از متن منظوم شاهنامه) به این دلیل است که برخی افراد برای بازنویسی از تصحیح‌های مغلوط و مشوش یا اصلاً از متون بازگردانده‌شده به نثر استفاده کرده‌اند و این امر موجب رخ دادن اشتباهات فراوانی شده است. از آن روی که تفصیل این مورد از حوصله این بحث خارج است، به این اشاره اکتفا می‌کنیم.
۳. در نسخ دیگر محل سرنویس هم‌اندازه ۱ بیت یا دو مصراع که برابر نیمی از عرض صفحه است، می‌باشد ولی در این سرنویس به اندازه ۲ بیت یا ۴ مصراع و تمام عرض صفحه است.

منابع

۱. انصاری، پریا و عبدالحسین فرزاد (۱۳۹۷)، «ارائه شاخص‌های مطلوب بازنویسی و داستان‌گزینی آثار حماسی در ادبیات کودک و نوجوان با تأکید بر شاهنامه فردوسی»، پژوهشنامه ادبی حماسی، شماره ۲۶، ۱۳-۵۰.
۲. پایور، جعفر (۱۳۷۶)، «بازآفرینی قصه‌های کهن و ادبیات داستانی معاصر»، چیستا، شماره ۱۳۸ و ۱۳۹، ۷۳۶-۷۴۰.
۳. ——— (۱۳۸۸)، بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات، به کوشش فروغ‌الزمان جمالی، تهران: کتابدار.
۴. ——— (۱۳۷۹)، «سیری در بازنویسی‌های معاصر از ادب کهن: ۱- شاهنامه»، کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۳۸، ۱۴-۲۲.
۵. جلالی، مریم (۱۳۹۳)، شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان نگاهی نو به بازنویسی و بازآفرینی به انضمام فهرست صدساله اقتباس از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان، تهران: طراوت.
۶. خالقی مطلق، جلال (۱۳۹۷)، گل‌رنج‌های کهن: برگزیده مقالات درباره شاهنامه فردوسی، به کوشش علی دهباشی، چ ۱، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و سخن.
۷. ——— (۱۳۸۶)، یادداشت‌های شاهنامه، ج ۹-۱۱، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۸. ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۳۹۳)، بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات کودک و نوجوان، تهران: فدک ایستایس.
۹. ذبیحی، معصومه (۱۳۹۲)، «کودک و داستان‌های فکری در شاهنامه»، فلسفه و کودک، سال اول، شماره ۱، ۴۹-۵۸.

۱۰. صالحی، آتوسا (۱۳۸۶)، *قصه‌های شاهنامه: فرود و جریره، بیژن و منیژه، بهرام و گردیه*، تصویرگر: نیلوفر میرمحمدی، ج ۴-۶، چ ۶، تهران: افق
۱۱. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، *شاهنامه*، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۲. _____، *شاهنامه*، دستنویس کتابخانه ملی فلورانس، به نشان Ms.Cl.III.24 (G.F.3) مورخ ۱۲۱۷/۶۱۴ (تا پایان کیخسرو)
۱۳. _____، *شاهنامه*، دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add.21.103 مورخ ۱۲۷۶/۶۷۵.
۱۴. کریم‌زاد، مریم (۱۳۸۴)، *بازآفرینی مهجور؛ بازنویسی معدود: تأثیر شاهنامه در ادبیات کودکان (بازنویسی و بازآفرینی‌های شاهنامه برای کودکان و نوجوانان)*، استاد راهنما: یدالله جلالی، دانشگاه یزد.
۱۵. مقدم، مریم، اباذری، زهرا و زارعی، هاجر (۱۳۹۱)، «بررسی وضعیت انتشار داستان‌های بازنویسی شده از شاهنامه و مثنوی برای کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۹»، کتاب *ماه کودک و نوجوان*، شماره ۱۸۴، ۶۸-۵۶.

